

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Stire

طـنـز

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

## خینه بعد از عید

تا نفس باقیست ، ( افشا ) میکنم  
( محشری ) با ( شعر ) برپا میکنم  
در شمال و در جنوب و شرق و غرب  
هر که ( خائن ) بود ، ( رسوا ) میکنم  
از ( وزیر ) و از ( رئیس ) و از ( وکیل )  
هم ز پایان ، هم ز بالا میکنم  
تا ( رئیس دولت ) و ( دارالقضا )  
( حاکم ) و ، ( والی ) ، برالا میکنم  
فلم ( قمچین ) می چله در سینما  
نقش ( کرزی ) را تماشا میکنم  
هم ( بچه فلم ) است ، هم ( بدماش فلم )  
یاد ( دارا سنگ ) و ( تارا ) میکنم  
( مسخره ) ، خوب رول بازی میکنم  
حیرت از اکت ( سپنتا ) میکنم  
( دختر فلمش ) ، نمی دانی کی بود؟  
فکر ( شیرین ) و ، ( زلیخا ) میکنم  
( داستانش ) را نوشته ، ( طالبان )  
شکوه از این بیخداها میکنم  
( پخپلو ) آن ( ثابت ) زنجو صفت  
بُچه و پُشتاره اش ، و میکنم  
جرأتی بنموده ( کرزی ) گفت ، حیف

(**خینه**) بعد از (**عید**)، (**اونجا**) میکنم  
لیک سودی می نبخشد، (**کرزیا**)!  
کار حالا، گر به فردا میکنم  
کاش میکردی، ز اول اینچنین  
تانمی گفتمی، مُجَزَا میکنم  
زور بیجا، کی کنند (**میخ فلک**)  
گر کنند، (**بیخش**) خُنْتَا میکنم  
مهلت بیست ساعته، کاری فتاد  
حل مشکل، برق آسا میکنم  
خیلی آسان، زود (**نافت**)، رفت، رفت  
مُفت و ارزان، بسته برجا میکنم  
بار دیگر، هوش کن (**نافت**) نره  
ورنه از (**نافت**)، (**مُعما**) میکنم  
مونی گر کم، از سر (**فیاض**) شد  
طاقت فرهنگ، فرسا میکنم  
حال رفتن رفتن (**بوش**) است و من  
در غیابش پُخته (**حلوا**) میکنم  
تا شود شیرین، دهان شرق و غرب  
تلخ هارا، چون مرَبَا میکنم  
(**جنگ و جنگسالار**) را در پای دار  
بسته با (**لنگی**)، (**مُلا**) میکنم  
از (**سیاست**)، (**دین**) را سازم جدا  
(**تاجران**) را، چلیپا میکنم  
کار (**اُبا ما**) اگر بالا گرفت  
پشت (**گلبدینه**)، ایلا میکنم  
بعد از آن ریش (**محقق**) را تراش  
چپه، با (**ربانی آغا**) میکنم  
اعتصابی کرده آن (**ماهیچه خور**)  
ننگ، از آن، (**بدهیولا**) میکنم  
موتر (**کادیل**) و (**مادیلش**) چی شد  
پنچرش با خار شورا میکنم  
(**طالبان**) را بالباس (**کوچیان**)  
مسترد، در دشت و صحرا میکنم  
تا که با صلح و صفا و آشتی  
حلّ مشکل های دنیا میکنم  
عهد و میثاق جدیدی، بین شان

بسته ، باهم مهر و امضا میکنم  
بارِ دیگر ، گِر خطائی سر زدی  
عدلِ قانونی ، تقاضا میکنم  
بعد از آن ، از خونِ گندِ طالبان  
جاری ، نهر و جوی و دریا میکنم  
با تمامِ خائن و جنگِ آفرین  
با سلاحِ شعر ، دعوا میکنم  
( **اتمر** ) و ( **قانونی** ) و ( **مسعود** ) را  
بر ( **عرب ها** ) ، مفت سودا میکنم  
( **دوستم** ) را ( **زنگ و جامن** ) میزنم  
( **خرم** ) و ( **سیاف** ) ، شیدا میکنم  
( **بیلر-بم** ) ( **وردک** ) و ، اما ( **فهمیم** )  
( **فیلر-چوبی** ) اسم اهدا میکنم  
( **صبغت الله** ) ، ( **مقبل** ) و ( **ملاعمر** )  
در ( **طویلہ** ) ، بسته یکجا میکنم  
نوبتِ ( **فرهنگ** ) بعداً می رسد  
( **نا امین** ) کور ، بینا میکنم  
خانِ ( **اسماعیل** ) را بی آب و برق  
بسته بر زنگِ ( **کلیسا** ) میکنم  
( **کرزیا** ) ! عاقل شو و بیدار باش  
از "حضورت" ، این تمنا میکنم  
ترکِ جمهوری کن و ، منزل نشین  
ورنه هر جا ، شور و غوغا میکنم  
شعرهای تند و تیز و ( **قهر خیز** )  
هفته چند بار ، انشا میکنم  
( **چارشنبه ها** ) ، به آقای ( **شکیب** )  
خوانده ، دردِ دل ، مُداوا میکنم  
چون ( **صدای مردم** ) است و نه ز من  
امرِ شانرا ، زود اجرا میکنم  
یا که میخوانم به ( **تیمورشاه حسن** )  
( **خشم** ) و ( **قهرش** ) را گریزا میکنم  
لیک بر ( **مهريه جان** ) از صدقِ دل  
قصه از ( **مجنون** ) و ( **لیلا** ) میکنم  
گر ( **خلیل داوری** ) آزرده شد  
نرم نرمک ، ( **ترک دنیا** ) میکنم  
محترم ( **وهاج** ) ، دارد ( **درد دل** )

از (سراجش) ، دیده بینا میکنم  
او که صاحب امتیاز و ، سر دبیر  
از رقیمش ، کام احلا میکنم  
من که از همکارِ خاصِ (درد دل)  
افتخار ، از این مسما میکنم  
با تشکر ، از جنابِ (آبوی)  
خواهش‌اتش را ، پذیرا میکنم  
گر شود وی ، یک شبی مهمانِ من  
پخته (ترکاری) و (شوروا) میکنم  
نه (شراب) و (بیر) و نه (چرس) و (چلم)  
اکتفا بر (چای) و (کولا) میکنم  
« نعمتا » حالا که گپ شد لُخت و لُچ  
بر تنش ، از شعر کالا میکنم

( 30 جولای 2008 )